

تدافع و تعرض در جنبش کارگری

پرچم سرخ

سی شهریورماه هشتاد و شش

کارل مارکس در اثر دوران ساز خود یعنی مانیفست کمونیست جایگاه و وظایف کمونیست ها در جنبش کارگری را به روشنی بیان کرد. در نگرش مارکس کمونیست ها بخشی از جنبش طبقه کارگر هستند، آنها منافی جدا از منافع پرولتاریا ندارند. کمونیست ها بخش پیشرو جنبش کارگری و محرک جنبش به پیشند. از لحاظ تئوری مزیت کمونیست ها به توده کارگران این است که آنها به شرایط، جریان و نتایج کلی جنبش پرولتری پی برده اند.

بنابراین در دیدگاه مارکس کمونیست ها روشنفکرانی نیستند که تئوری انقلابی را به طبقه کارگر انتقال می دهند، آنها بخشی از جنبش کارگری هستند که در تئوری و پراتیک پیشرو جنبش قرار می گیرند. در واقع برای مارکس تمایز بین روشنفکر تئوریک با کارگر پراتیک اساسا وجود نداشت زیرا در دیدگاه او صف بندی انقلاب کارگری با ضد انقلاب بورژوایی عینیت خود را نه از جایگاه فرد در ارتباط با ابزار تولید بلکه از واقعیات مبارزه طبقاتی می گیرد. در این متد هر روشنفکر یا کارگری که از دیدگاه طبقاتی بورژوازی جدا و پیشرو بودن خود را در پراتیک مبارزه طبقاتی نشان دهد کمونیست و بخش پیشرو جنبش کارگری است.

در واقع در متدولوژی مارکس ارتباط کمونیست ها با جنبش کارگری نوعی وحدت جدایش یافته است. کمونیست ها از آنجا که از بطن شرایط اقتصادی، اجتماعی، پراتیکی و تئوریکی ناشی از وجود جنبش کارگری برخاسته اند بخشی از جنبش کارگری محسوب می شوند و از آنجا که با درک شرایط، جریان و نتایج کلی جنبش پرولتری به پیشرو طبقه در پراتیک تبدیل شده اند از توده کارگران متمایز می شوند. پس خصلت اساسی کمونیست ها در ارتباط با توده کارگران پیشرو بودن آنان است اما پیشرو بودن کمونیست ها در جنبش کارگری صرفا مربوط به تسلط آنها به تئوری انقلابی نیست و باید خود را در شکل پراتیک مبارزه طبقاتی اثبات کند. به عبارت دیگر تشکیلات، مطالبات و پراتیک کمونیست ها در جنبش کارگری باید با تشکیلات، مطالبات و پراتیک توده کارگران متفاوت باشد.

پراتیک توده کارگران

خصلت اساسی مبارزه طبقاتی توده کارگران که شکل تشکیلات، نوع مطالبات و پراتیک آنها را می سازد تدافعی بودن این مبارزه است. توده کارگران به دلیل هژمونی ایدئولوژیک سرمایه داری در مبارزه خود انگیزته خود قادر به فرارفتن از آگاهی صنفی-اتحادیه ای که آگاهی خاص مبارزه تدافعی است نمی باشد. مبارزه تدافعی مبارزه ای است که در صورت پیروزی هم چهارچوب های جامعه بورژوایی را در نمی نوردد و در نهایت تنها رفم هایی را به بورژوازی حاکم تحمیل می کند. تشکیلات خاص مبارزه تدافعی سندیکا، مطالبات این نوع مبارزه مطالبات حداقل

و پراتیک این نوع مبارزه نیز عمدتاً سه جانبه گرای است.

پراتیک کمونیست ها

این درک که از رهگذر مبارزه سندیکالیستی و با طرح مطالبات حداقل امکان گذار به سوسیالیزم وجود دارد درکی اساساً رویزیونیستی است که بن مایه های تئوریک خود را از اپورتونیزم برنشتاین و سپس کائوتسکی می گیرد. مبارزه تدافعی از آنجا که شیوه تولید سرمایه داری را به عنوان یک پیش فرض پذیرفته است قادر به رفع محدودیت های این شیوه تولید نیست. بنابراین کمونیست ها از آنجا که خواهان رفع انقلابی محدودیت های جامعه سرمایه داری هستند باید در شکل پراتیک مبارزه طبقاتی خود مرزهای مبارزه تدافعی را درنور دیده و با سازماندهی، مطالبات و پراتیک انقلابی زمینه های نظری و عملی برای تعرض کلیت جنبش کارگری به سرمایه داری حاکم را مهیا کنند.

تشکیلات مبارزه تعرضی کمونیست ها نمی تواند مانند تشکیلات مبارزه تدافعی توده کارگران علنی باشد. بر این اساس کمیته های مخفی عمل کارگران پیشرو مناسب ترین ظرف برای شکل یابی کمونیست های انقلابی در کارخانه و محیط کار است. این کمیته ها که صرف فعالیت رهبران طبیعی کارگران و نیز کمونیست ها (کارگر و غیر کارگر) هستند به جای سه جانبه گرایی و طرح مطالبات حداقل، امر پیشبرد و تداوم مبارزه طبقاتی در محیط کارخانه را از رهگذر طرح مطالبات انتقالی بر عهده می گیرند. مطالباتی مانند کنترل کارگری و افزایش دستمزد ها متناسب با تورم. این مطالبات اگرچه در نظریه چهارچوب جامعه بورژوایی را در هم نمی شکنند اما در عمل از امکانات بورژوازی فراتر رفته در نتیجه حادث شدن مبارزه طبقاتی را سبب می شوند. با تکثیر و ارتباط کمیته های عمل کارگران پیشرو در میان مدت امکان سازماندهی تعرض علیه سرمایه داری در شکل اعتصاب های سراسری حول مطالبات انتقالی به وجود می آید. چنین اعتصابات در متن بحران دائمی سرمایه داری حاکم بر ایران به سرعت می تواند به قیام مسلحانه عمومی منجر شود. البته امکان تاثیر کمیته های عمل کارگران پیشرو بر کل جنبش انقلابی بدون وحدت آنها حول یک برنامه و استراتژی انقلابی در یک حزب پیشتاز کارگری میسر نیست.

تدافع و تعرض در جنبش کارگری ایران

تا جایی که به جنبش کارگری ایران مربوط می شود به دنبال تعرض وحشیانه ضد انقلاب بورژوا-اسلامی به این جنبش در سال ۶۰ جنبش کارگری ایران به حالت تدافعی فرورفت. این وضعیت نتیجه سرکوب تشکیلات، مطالبات و پراتیک کارگران پیشرو و کمونیست ها از سوی بورژوازی اسلامی بود. اما ادامه طولانی این وضعیت سبب شد که مبارزه تدافعی کارگران که یک ضرورت ناشی از سرکوب پیشرو کارگری بود نزد اغلب سازمان های چپ به یک فضیلت تبدیل شود. در نتیجه مرز بین مبارزه تدافعی توده کارگران از یک سو و مبارزه تعرضی پیشرو کمونیست از سوی دیگر مخدوش شده، دومی به نفع اولی به حاشیه رفت. بی توجهی به سازمان دهی و ترویج مبارزه تعرضی کمونیستی در طبقه کارگر سبب شد که غالب سازمان های چپ به دنباله رو حرکات تریدیو نیونیستی طبقه کارگر

تبدیل شوند. به این ترتیب است که تمام کارنامه چند سال اخیر سازمان های مدعی رهبری طبقه کارگر تنها به حمایت تبلیغاتی از یک پراتیک تدافعی کارگران یعنی مبارزات سندیکایی کارگران شرکت واحد خلاصه می شود. حمایت از مبارزه تدافعی کارگران هر چند ضروری است اما نمی تواند استراتژی سوسیالیزم انقلابی در ایران باشد. باید به دنبال آغاز مبارزه تعرضی علیه سرمایه داری بود. این تعرض می تواند و باید از سوی کمیته های عمل کارگران پیشرو و با طرح مطالبات انتقالی در یک اعتصاب عمومی کارگری آغاز شود. به عنوان مثال مسئله تعیین دستمزد ها می تواند مبنایی برای آغاز دوباره تعرض جنبش کارگری باشد. امسال حکومت ستم و سرمایه اسلامی دستمزد بردگی مزدی کارگران را ۱۸۳ هزار تومان در ماه اعلام کرد. این دستمزد حتی یک سوم خط فقر در ایران هم نیست. در صورت تشکیل، تکثیر و ارتباط کمیته های عمل کارگران پیشرو و کمونیست و با اتکا به جایگاه رهبری که این کمیته ها در توده کارگران دارند میتوان در اولین مقطعی که مسئله دستمزد ها دوباره به بحث روز طبقه کارگر تبدیل می شود یک اعتصاب سراسری را حول خواست افزایش دستمزد ها مطابق با تورم سازمان داد. چنین اعتصابات آموزشی از تئوری و پراتیک انقلابی برای کمونیست ها و توده کارگران خواهد بود.

پرچم سرخ

منبع: آرشیو سایت سلام دمکرات

یکشنبه ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۷، بوسیله ی دیاکو